



The Influence of the Water Resources Management on Changing the Administrative Geography of Khorasgan of Isfahan from Safavid Epoch to the Present Time

Ali Borhani Rarani and Elaheh Noorian

Abstract

According to the political divisions and administrative geography, Khorasgan in the Safavid-Zand, Qajar and Pahlavi periods was Qaryeh, Qaryeh-Qasaba, and Qasaba-city, respectively. From the 2013 onwards, Khorasgan, covering an area of nearly 70 square kilometers, is the 15th district of the Isfahan City. Considering the existence of several Qaryehs in the eastern part of Isfahan and adjacent to Khorasgan, evaluating the changes in administrative geography and the role of water resources management in this area is the most important issue of the present study. For this reason, in addition to written sources and local historical documents, the study of remnants of water resources management and the use of aerial photographs is also of great importance. In the light of a scroll attributed to Sheikh Baha'i, the Qaryeh-e Khorasgan in the Safavid period had a certain share of Zayanderud water for agriculture. In addition, springs and aqueducts have come to this Qaryeh from Tabarak Castle. The addition of another water source to the Khorasgan aqueduct called Cheshmeh (Spring) Bāgher Khān in the Zand period led to an increase in the production of agricultural products in this Qaryeh compared to neighboring Qaryehs. This [issue] increased economic power and expanded the rural fabric of Khorasgan, and in the second half of the Qajar period, by changing the administrative geography of Khorasgan from Qaryeh to Qasaba showed its result. The stability of water resources and the existence of Khāns with dominance over water and agricultural resources in this Qaryeh, led to the further expansion of the rural fabric of Khorasgan and neighboring Qaryehs. In the 1960s, due to this development, it became necessary to establish a municipal organization in this area to manage affairs. Thus, the name of Khorasgan, which was called the Qasaba of Jay, was chosen and in 1964, the municipality and the Khorasgan City were established. It is worth mentioning that the neighboring Qaryehs also formed the neighborhoods of the newly established city of Khorasgan.

Keywords: Isfahan, Khorasgan, cultural landscape, Zayanderud, Bāgher Khān spring, water resources management.

<https://doi.org/10.22034/jinm.2022.533334.1042>

© 2021 Iran National Museum. All rights reserved

تأثیر مدیریت منابع آب بر تغییر جغرافیای اداری خوراسگان اصفهان از دوره صفوی تا عصر حاضر

علی برهانی رارانی* و الهه نوریان

چکیده

برطبق تقسیمات سیاسی و جغرافیای اداری، خوراسگان در دوره صفوی و زند قریه، در دوره قاجار قریه و قصبه، در دوره پهلوی قصبه و شهر بوده و از سال ۱۳۹۲ خورشیدی، منطقه ۱۵ شهر اصفهان؛ با وسعتی نزدیک به ۷۰ کیلومتر مربع است. با توجه به وجود قریه‌های متعدد در محدوده شرق شهر اصفهان و همجوار با قریه خوراسگان، مهم‌ترین مسئله پژوهش حاضر، ارزیابی تغییرات جغرافیای اداری انجام شده در این پهنه و نقش مدیریت منابع آب در آن است. در این راستا، علاوه بر منابع مکتوب و اسناد تاریخی محلی، بررسی آثار به جامانده از مدیریت منابع آب و بهره‌گیری از عکس‌های هوایی نیز دارای اهمیت فراوانی است. براساس طومار منتسب به شیخ بهایی، قریه خوراسگان در دوره صفویه، دارای سهم مشخصی از آب زاینده‌رود برای کشاورزی بوده است. علاوه بر این، چشمه و قناتی از قلعه طبرک به سمت این قریه می‌آمده است. اما اضافه شدن منبع آبی دیگری به قنات خوراسگان در دوره زندیه، باعث افزایش تولید محصولات کشاورزی این قریه نسبت به قریه‌های مجاور شد. این مسئله باعث افزایش قدرت اقتصادی و گسترش بافت روستایی خوراسگان شد و در نیمه دوم دوره قاجار با تغییر جغرافیای اداری خوراسگان از «قریه» به «قصبه»، نتیجه خود را نشان داد. پایداری منابع آبی و وجود خان‌های مسلط بر منابع آب و کشاورزی در این قریه، سبب گسترش هر چه بیشتر بافت روستایی خوراسگان و قریه‌های مجاور شد. این گسترده‌گی، در دهه ۴۰ خورشیدی، لزوم تأسیس سازمان شهرداری برای اداره امور آن را موجب شد و نام خوراسگان که قصبه بلوک جی خوانده می‌شد، برگزیده و در سال ۱۳۴۳ خورشیدی شهرداری و «شهر خوراسگان» تأسیس شد. قریه‌های مجاور نیز به همراه محله‌های خوراسگان به عنوان محله‌های شهر تازه‌تأسیس درآمدند.

واژگان کلیدی: اصفهان، خوراسگان، منظر فرهنگی، زاینده‌رود، چشمه باقرخان، مدیریت منابع آب.

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه باستان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران borhanirarani.ali@gmail.com

* دانش‌آموخته کارشناسی گروه باستان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران elaheh.noorian@outlook.com

درآمد

خوراسگان، در حال حاضر به عنوان منطقه ۱۵ شهر اصفهان با وسعتی نزدیک به ۷۰ کیلومتر مربع، در قسمت شرقی این شهر، در جلگه آبرفتی زاینده رود و بر سر راه نایین و یزد واقع شده است. تا پیش از سال ۱۳۹۲ خورشیدی، این محدوده «شهر خوراسگان» نامیده می‌شد، اما با گسترش بافت دو شهر اصفهان و خوراسگان، این دو آن‌چنان به یکدیگر نزدیک شده که در دهه ۱۳۸۰ خورشیدی تقریباً هیچ فاصله‌ای نداشتند؛ در سال ۱۳۹۲ خورشیدی خوراسگان به شهر اصفهان الحاق و با عنوان «منطقه ۱۵ شهرداری اصفهان» نامیده شد. مراجعه به کتب تاریخی و جغرافیایی نشان می‌دهد که تغییر جغرافیای اداری برای خوراسگان تنها به همین یک مورد خلاصه نمی‌شود. تا پیش از دوره صفوی اطلاعات بسیار اندکی در مورد خوراسگان موجود است که محدود به دو مورد در سده‌های دوم و سوم هجری قمری می‌شود و در آن‌ها عنوان «قریه» برای آن نگاشته شده است (ابی نعیم ۱۴۱۰: ۱/۱۱۸ و حموی ۱۳۸۰: ۲۷۸).

پس از پایتخت شدن اصفهان (۱۰۰۶ هجری قمری) در دوره شاه عباس صفوی اطلاعات بیشتری در این زمینه ثبت شده است. خوراسگان در طول دوره صفوی تا اواسط دوره قاجار با عنوان «قریه» (طومار شیخ بهایی ۱۳۰۷؛ اسناد پادریان کرملی ۱۳۸۳ و الاصفهانی ۱۳۶۸)، از آن پس تا سال ۱۳۴۳ خورشیدی، «قصه» (الاصفهانی ۱۳۶۸ و فرهنگ جغرافیایی ایران ۱۳۳۲) و از این تاریخ تا اوایل دهه ۱۳۹۰ خورشیدی «شهر» (سند وزارت کشور ۱۳۴۳) بوده است. این مسئله بدین لحاظ حائز اهمیت است که سایر قریه‌های همجوار خوراسگان، تغییرات کاملاً متفاوتی را تجربه کرده‌اند، به‌گونه‌ای که از سال ۱۳۴۳ خورشیدی تا پیش از سال ۱۳۹۲ خورشیدی، بدون آن‌که خوراسگان به نقطه مشخصی اطلاق شود، همگی قریه‌ها محله‌های شهر خوراسگان به شمار می‌رفتند و در حال حاضر نیز محله‌های منطقه ۱۵ شهرداری اصفهان یا منطقه خوراسگان به حساب می‌آیند. بنابراین چرایی این سرنوشت متفاوت برای قریه خوراسگان نسبت به سایر قریه‌ها یکی از مسائلی است که این پژوهش در پی دستیابی به آن است. علاوه بر این، بررسی تأثیراتی که پس از تغییرات جغرافیای اداری در منظر فرهنگی این محدوده پدید آورده از دیگر مسائل این پژوهش است.

عدم توجه به منظر فرهنگی و پیشینه جغرافیای اداری یک منطقه، سبب اتخاذ تصمیماتی می‌شود که نتایج مخرب خود را طی سالیان آتی نشان می‌دهند. روند توسعه شهری اصفهان در طی سالیان اخیر، بدون در نظر گرفتن این مسائل،

باعث بروز ناهمگونی‌های زیادی در بافت روستایی و شهری خوراسگان شده است. عدم بهره‌برداری از ظرفیت‌های منطقه، از بین رفتن بسیاری از عناصر منظر فرهنگی، بی‌توجهی به آثار تاریخی و در نتیجه تخریب محیط زیست، از نتایج این بی‌توجهی است. با این اوصاف، این پژوهش می‌تواند درک بهتری از منظر فرهنگی منطقه خوراسگان، فراهم آورد تا در آینده بتوان تصمیمات صحیح یا بهتری برای توسعه و تغییرات ساختار شهری در نظر گرفت.

مواد و روش‌ها

منابع مکتوب، اطلاعاتی را هر چند اندک از وضعیت خوراسگان به دست می‌دهند. پس از پایتخت شدن اصفهان، به کثرت این اطلاعات افزوده می‌شود و از دوره قاجار به بعد، به ویژه در بخش‌های مربوط به کشاورزی از این قریه بیش از پیش نام برده می‌شود. همین مسئله نشان می‌دهد که این قریه نقش مهمی در تأمین محصولات کشاورزی برای منطقه داشته است. علاوه بر این، حکومت باقرخان خوراسگانی بر اصفهان در اواخر دوره زندیه، باعث شد که از قریه خوراسگان در متون تاریخی بیشتر نام برده شود. اقدامات این فرد در زمینه کشاورزی و عمران که شواهد مرتبط با آن هنوز هم موجود است، بررسی میدانی آن‌ها را ضروری می‌کرد. در این بین با استفاده از عکس‌های هوایی سال ۱۳۴۳ خورشیدی که هم‌زمان با تشکیل شهر خوراسگان تصویربرداری شده‌اند، امکان شناخت بیشتر این تغییر جغرافیای اداری فراهم شد. مقایسه این عکس‌ها با تصاویر ماهواره‌ای امروزی، تغییرات انجام شده در منطقه را به خوبی نشان می‌دهد. از دیگر منابع مورد استفاده در این پژوهش، اسناد دولتی است که اطلاعاتی در زمینه‌های سیاسی و جغرافیای اداری دربر داشتند و در نهایت باید به اسناد تاریخی محلی که دسترسی به آن‌ها امکان‌پذیر بود، اشاره کرد. اسناد اخیر منابع ارزشمندی در شناخت تغییرات جغرافیای اداری و ساختار روستایی خوراسگان هستند.

بنابراین، در پژوهش حاضر تلاش شده با بهره‌گیری از روش‌های توصیفی و تحلیلی به علل تغییرات جغرافیای اداری خوراسگان در طول دوره یادشده پرداخته شود و این تغییرات از منظر مدیریت منابع آب مورد بررسی قرار گیرد.

پیشینه پژوهش

در زمینه موضوع حاضر تاکنون پژوهش مستقلی انجام نشده است، اما در اینجا باید به دو مورد اشاره کرد که اطلاعات مهمی در مورد منطقه خوراسگان در آن‌ها موجود است. یکی کتاب ارزشمند تاریخ شهر خوراسگان و روستای راران (نادری

پس از چندین قرن سکوت، این نخستین بار است که نام این قریه در یک منبع مکتوب دیده می‌شود، هر چند عنوانی برای خوراسگان ذکر نشده است.

طومار منتسب به شیخ بهایی یکی از منابع مهم در شناخت توزیع منابع آب زاینده‌رود در منطقه اصفهان است که بنا به انتساب آن به شیخ بهایی، از متون دوره صفوی به شمار می‌رود. در این طومار، آب زاینده‌رود به ۶ بلوک^۲ اختصاص پیدا کرده و به طور مفصل و دقیق، سهم تمام مناطق این بلوکات آورده شده است (طومار شیخ بهایی، ۱۳۰۷). بدین صورت که آب زاینده‌رود پس از گذشت ۷۵ روز از نوروز و به مدت ۱۶۵ روز بین حوزه آبخور زاینده‌رود - از پل کله تا تالاب گاوخونی - تقسیم می‌شد. این ۱۶۵ روز از ایام کم‌آب زاینده‌رود بوده و به همین خاطر، طومار اجرا می‌شده تا کشاورزی در آن روزها دچار کمبود منابع آبی نشود. در سایر ایام سال، یعنی از اواخر آبان تا اواسط خرداد نیز هر بلوک و هر مادی، به هر میزان که نیاز داشته باشد از آب برداشت می‌کرد، مگر در مواقع کم‌آبی که تصمیمات دیگری اتخاذ می‌شود. در این طومار، از قریه خوراسگان و سایر قریه‌های همجوار آن در بلوک جی، به عنوان قریه‌های دارای سهم آب نام برده شده است.

نام بلوک	زاینده‌رود در بلوکات شهر اصفهان ۳۳ سهم	مقررا مادی‌ها ۲۷۵ سهم تحت	مقررا به جز قراء ۳۰۹۸ سهم
لنجان والتجان	۱۰	۱۶۱	۶۷۲
ماربین	۴	۲۹	۲۸۲
جی	۶	۳۷	۶۷۴
برآآن	۴	۱۴	۸۵۴
رودشتین	۶	۲۲	۲۴۳
کراچ	۳	۱۲	۳۸۷

جدول ۱. میزان سهام آب بلوکات شش گانه زاینده‌رود اصفهان (طومار شیخ بهایی ۱۳۰۷: ۱۰).

منبع دیگری که در دوره صفوی به طور مستقیم به خوراسگان اشاره می‌کند، *سناد پادریان کرملی* است. پادریان کرملی، گروهی از کشیشان مسیحی بودند که از سال ۱۰۱۳ هجری قمری (۱۶۰۴ میلادی) در کسوت سفیران پاپ کلمنت هشتم^۳ (۱۶۰۵ - ۱۵۳۶ میلادی)، جهت تبلیغ آیین مسیحیت به دربار شاه عباس اول صفوی فرستاده شده بودند و نوعی واسطه میان دول اروپایی و ایران به حساب

۲. در تقسیمات کشوری در ایران، بلوک به «ناحیه» اطلاق می‌شد. در این تقسیمات، پیش از قانون ۱۳۱۶ خورشیدی، به قسمتی از ولایت (شهرستان کنونی) که دارای یک قصبه (مرکز) و چند محال بود و زیر نظر نایب‌الحکومه اداره می‌شد، بلوک می‌گفتند (دایرةالمعارف فارسی).

3. Pope Clement VIII.

۱۳۸۷؛ این کتاب دارای اطلاعات قابل توجهی از خوراسگان در زمینه‌های گوناگون است. دیگری کتابی تحت عنوان خورشید جی (جعفریان ۱۳۸۴)، شامل مجموعه مقالاتی درباره خوراسگان و منطقه جی است و بعضاً اطلاعات مهمی در بر دارد.

جغرافیای اداری خوراسگان

الف: قریه خوراسگان

نخستین اشاره به «خوراسگان» به احتمال زیاد^۱ در *ذکر/خبر/اصبهان* است. جایی که مؤلف کتاب از شخصی نام می‌برد که دارای پسوند «خراسکانی» است: «أحمد بن شهدل بن المفضل الحنظلی أبو جعفر الخراسکانی» (ابی نعیم ۱۴۱۰: ۱/۱۱۸). در این کتاب، دو روایت از او نقل شده است؛ یکی سخنی از ابوموسی اشعری، فاتح اصفهان، و دیگری حدیثی از رسول خدا. در *الانساب* با لقب «مؤدب» (سمعانی ۱۳۸۲: ۳۳۸) و در *طبقات المحدثین بأصبهان* بدون ذکر نام «خراسکان» نیز از او سخن به میان آمده است (ابوشیخ انصاری ۱۴۱۲: ۴۸۶). در *معجم‌البلدان* در ذیل واژه «خ» از «خراسکان» به عنوان قریه‌ای از قرای اصفهان نام برده و به همین شخص نیز اشاره می‌شود (حموی ۱۳۸۰: ۲۷۸). این شخص براساس سند مزبور می‌بایست در نیمه دوم سده دوم هجری می‌زیسته باشد. دلیل ملقب شدن او به «مؤدب» که سماعی بدان اشاره کرده است، روشن نیست. این لقب می‌تواند اشاره به شغل معلمی وی به ویژه نسبت به فرزندان اعیان و امیران باشد (جعفریان ۱۳۸۴: ۲۹۳). علاوه بر این در *ذکر/خبر/اصبهان* از فردی به نام «علی المؤدب الخراسکانی» نام برده شده (ابی نعیم ۱۴۱۰: ۸/۲) که در اوایل سده سوم هجری زندگی می‌کرده است (جعفریان ۱۳۸۴: ۳۰۳). اگر قریه اشاره‌شده را «خوراسگان» امروزی بدانیم، از این دوره تا دوره صفوی اطلاعات دیگری از خوراسگان به دست نرسیده است. اما از دوره صفوی به بعد و بلافاصله پس از پایتخت شدن اصفهان، در متون، اطلاعات بیشتری به چشم می‌خورد. بر اساس این اطلاعات در سراسر دوره صفوی و نیمه دوم دوره قاجار از خوراسگان به عنوان قریه نام برده شده است.

در *خلاصه‌الاشعار وزیده‌افکار* از شخصی به نام «امیر تقی الدین محمد الشهیر به شاه‌میر» (فوت ۹۹۱ هجری قمری) از «خراسگان صفهان» نام برده که علاوه بر شاعری به مقام صدارت ابوالفتح قطب شاه (حک. ۹۸۹ - ۹۵۷ هجری قمری) از قطب شاهان دکن هند می‌رسد (کاشانی ۱۳۸۶: ۳۸۹).

۱. دلیل قید واژه «احتمال» در این جمله، تفاوت املائی واژه‌های «خراسکان» در متون یادشده و «خوراسگان» امروزی است.

می‌آمدند. این گروه کاتولیک که توسط دول اروپایی حمایت می‌شدند و در زمینه‌های مختلف سیاسی، مذهبی و فرهنگی فعالیت می‌کردند، حتی پس از انقراض سلسله صفویه و تا اواسط دوره زندیه در ایران حضور مستمر داشتند (وصفی و همکاران ۱۳۹۱: ۸۱). از میان ۱۷۰ سند و مکاتبه که در این کتاب آمده، در سند شماره ۱۵۶، با عنوان «حکایت از پنج نفر عیسویان عجم که تازه تمام به دین رومانیه درآمده بودند و از قتل چهار نفر ایشان در تاریخ ۱۳ شهر فبره سنه ۱۶۲۲ و از عربیه شهر ربیع‌الآخر سنه ۱۰۳۲» به خوراسگان اشاره شده است. شاه عباس که به منظور سفر به قندهار در خوراسگان توقف کرده است، از یک کشیش کرملی در خصوص گرویدن ۵ نفر از مسلمانان به مسیحیت پرس و جو می‌کند (اسناد پادریان کرملی ۱۳۸۳: ۲۳۱-۲۳۰). این مکاتبات میان شاه عباس اول در خوراسگان و کشیش پادری در اصفهان در حال رد و بدل شدن است: «و این مقدمه واقع شد به روز دوشنبه مذکور در تاریخ ۱۴ شهر فبره سنه ۱۶۲۲ در وقت شب نماز، و در همان ساعت حاکم و احداث به خدمت نواب اشرف روانه شدند در قریه خراسکان.» (همان‌جا). شاه عباس، در حین این نامه‌نگاری‌ها، دستور اعدام افرادی را که از اسلام به مسیحیت تغییر دین داده‌اند، صادر می‌کند: «در همان روز و در آن ساعت که به پادری جوان جانشین داروغه پرسش می‌کرد در خانه پادریان، نواب اشرف در قریه خراسگان امر نمود که اسکندر را سنگ‌باران کنند و بسوزانند. فی‌الحال مشارالیه را از سنگ‌باران به قتل درآوردند» (همان: ۲۳۴-۲۳۳). همان‌طور که مشخص است، در این سند، نام خوراسگان اگرچه با دو املائی متفاوت اما به عنوان «قریه» آمده است.^۴

اما در کتب تاریخی دوره زندیه و قاجار، نام خوراسگان بیش از گذشته به چشم می‌خورد. دلیل اصلی آن، حضور شخصی به نام «باقرخان خوراسگانی» در عرصه قدرت در شهر اصفهان است. باقرخان یا محمدباقرخان خوراسگانی به روایت رجال و مشاهیر اصفهان فرزند شخصی به نام «کاظم صفار» بوده است. در ذکر احوال او چنین آمده است: «فرزند او باقرخان به اقتضای سن جوانی و دارایی و ثروت، روزها را به گردش و شکار کردن مشغول می‌شود و در این اثنا رفقای

پیدا می‌کند از قبیل شکارچی و تفنگدار. پس از فوت پدر که آزادی او بیشتر می‌شود و رفقای تفنگچی خود را هم زیادتر می‌سازد، و با این مقدمه در محل خود و حوالی آن تسلط و استیلایی پیدا می‌کند با یک شهرتی که در نتیجه آن حکومت اصفهان اول ضابطی همان محل را به باقرخان واگذار می‌کند، و بعد از به^۵ روز لیاقت ضابطی چهار بلوک جی و کراج و برآن و رویدشت تفویض به او می‌شود» (جناب ۱۳۸۵: ۲۱۴-۲۱۳). وی مرحله به مرحله پیشرفت کرد و در اواخر دوره زندیه وارد درگیری‌های جانشینان کریم‌خان زند با یکدیگر و همچنین با آقامحمدخان قاجار شد. علی‌مرادخان زند در سال ۱۱۹۳ هجری قمری که برای جنگ با ذوالفقارخان خمسه‌ای به تهران لشکر کشید، به او لقب خانی داد و نائب‌الحکومه اصفهان کرد (موسوی نامی ۱۳۶۳: ۲۳۴-۲۳۳). در غیاب علی‌مرادخان زند، صادق‌خان زند از بصره به شیراز رفت و بر تخت سلطنت نشست و پسرش جعفرخان زند را حاکم اصفهان کرد. جعفرخان راهی اصفهان و به آسانی وارد آن شد (همان: ۲۲۸-۲۲۳؛ آصف ۱۳۸۲: ۴۲۸). پس از مدتی علی‌مرادخان برای مقابله با جعفرخان به سمت اصفهان حرکت کرده، اما جعفرخان شهر را رها و به شیراز بازگشت (موسوی نامی ۱۳۶۳: ۲۳۴-۲۳۳). باقرخان طی سال‌های ۱۱۹۳ تا ۱۱۹۸ هجری قمری از سوی علی‌مرادخان زند که خود در اصفهان تاج‌گذاری کرده بود، حاکم شهر اصفهان شد (جابری انصاری ۱۳۲۱: ۲۲۹). در سال ۱۱۹۸ هجری قمری علی‌مرادخان به فکر تصرف مازندران و استرآباد افتاد، اما در نبرد با آقامحمدخان قاجار شکست خورد (غفاری کاشانی ۱۳۶۹: ۶۸۶، آصف ۱۳۸۲: ۴۴۶ و موسوی نامی ۱۳۶۳: ۲۶۰-۲۵۸). در این تاریخ باقرخان خوراسگانی با آرزوی رسیدن به تخت پادشاهی و با تصرف اموال و خزانه علی‌مرادخان در کاخ شاهی اصفهان، خود را باقرشاه نامید: «باقرخان خراسگانی که پرورده نعمت و ترقی‌کرده تربیت او بود در حال حیات علی‌مرادخان دروازه شهر را بسته و در راه ممانعت نشسته، تفنگ‌های متواتر به جانب تخت روان ولی‌نعمت خود انداخت و او را در خارج شهر چندان معطل ساخت که روحش از شهربند بدن بیرون تاخت. بالاخره فوجی تفنگچی با ولد خود بیرون فرستاده، اهالی حرم و صندوقخانه و خزانه و اسباب دولت و آلات جلالت را بدرون شهر آورده، در عمارات شاهی ساکن گردید. چون چندان اموال و اسباب او را به حیطة اکتساب درآورد که حصر آن بر وهم محال‌اندیش دشوار بود به طمع شاهی و سودای فرماندهی افتاده، آن شغل خطیر را کفیل

۵. احتمالاً «سه» درست است.

۴. در یک منبع دیگر که در مورد کوچ ارمنیان از منطقه جلفا در دوره شاه عباس اول صحبت می‌کند، دو جا به خوراسگان اشاره شده است. یک‌جا به عنوان یکی از «محلات شهر» اصفهان (دروهنیان ۱۳۷۹: ۲۰) و در جای دیگر به همراه چندین محله دیگر، به عنوان «محله‌هایی در وسط شهر اصفهان» نام برده شده است (همان: ۶۰). اما مورخ، در این مورد دچار اشتباه شده است. چه‌آن‌که حتی در زمان نگارش این کتاب در دوره قاجار، هنوز اصفهان آن‌قدر گسترش پیدا نکرده بود که از سمت شرق به خوراسگان رسیده باشد (یا بالعکس) تا آن را یکی از محله‌های اصفهان بدانیم.

۴۹۶؛ موسوی نامی ۱۳۶۳: ۲۷۴-۲۶۹؛ غفاری کاشانی ۱۳۶۹: ۷۰۵-۷۰۱، آصف ۱۳۵۲: ۴۴۹-۴۴۸). از آن چه در این بخش آورده شد می‌توان چنین نتیجه گرفت که نام خوراسگان در خلال کشمکش‌های اواخر دوره زندیه به دلیل حضور محمدباقرخان یا باقرخان خوراسگانی در اصفهان بر سر زبان‌ها افتاد. هر جا به مناسبتی از او نام برده شد، از قریه خوراسگان هم نام برده شد. همچنین احتمالاً اقدام او در تغییر چشمه راران به سمت خوراسگان در تغییر جغرافیای اداری خوراسگان نقش اساسی داشته که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

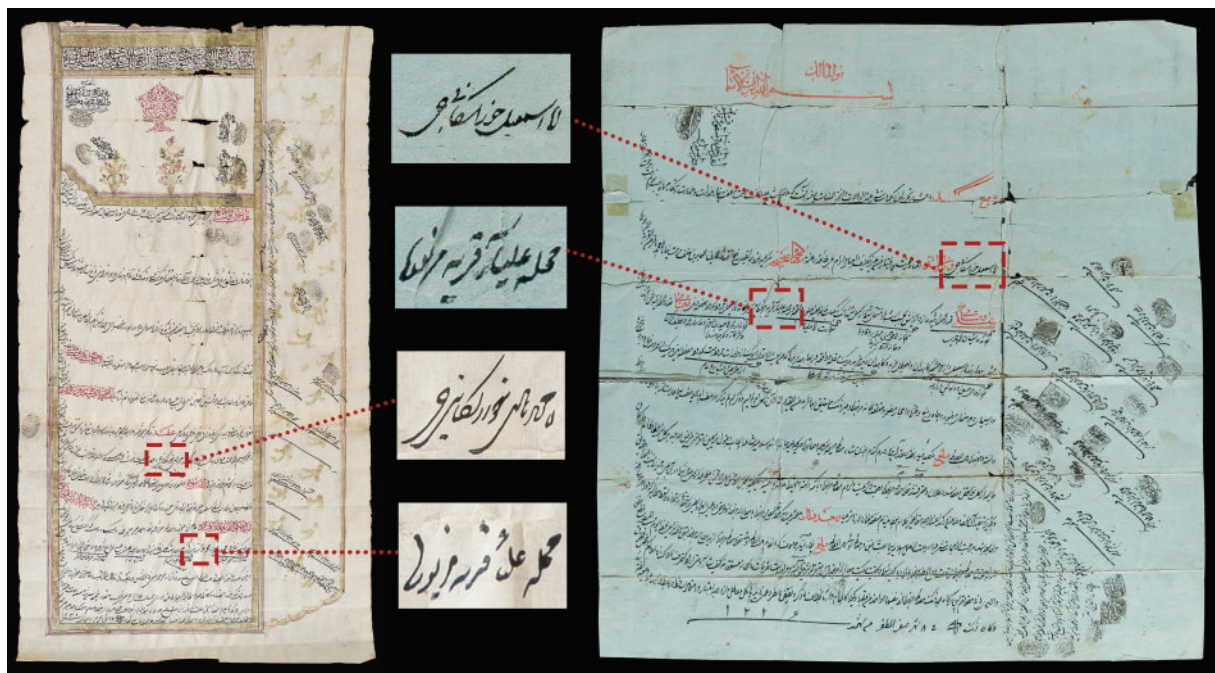
اسناد تاریخی نیز در شناخت جغرافیای اداری خوراسگان بسیار سودمند هستند. در یک سند وقف‌نامه متعلق به سال ۱۱۱۸ هجری قمری، در دو مرتبه از خوراسگان با عنوان «قریه» نام برده شده است (حسینی اشکوری ۱۳۸۸، ج ۶: ۴۸). در وقف‌نامه‌ای دیگر متعلق به سال ۱۱۲۴ هجری قمری، دو قطعه زمین در «قریه خوراسگان» توسط شاه سلطان حسین صفوی وقف «مدرسه مبارکه» شده است (حسینی اشکوری ۱۳۸۸، ج ۳: ۱۱۸). در سندی موسوم به صلح‌نامه متعلق به دوره زندیه و تاریخ ۱۱۸۴ هجری قمری از «خوراسگان» به عنوان قریه نام برده شده و به محله‌ای به نام «وسطی» اشاره شده است (تصویر ۱). صلح‌نامه دیگری در سال ۱۲۰۳ هجری قمری، از قریه «خوراسگان» و دو محله وسطی و «علیا» نام می‌برد (تصویر ۱). برخلاف محله وسطی که امروزه نشانی از آن در خوراسگان وجود ندارد، محله علیا یا «بالا» از محله‌های این منطقه است. در صلح‌نامه‌ای متعلق به ۱۲۲۶ هجری قمری، به قریه «خوراسگان» و محله علیا اشاره شده است (تصویر ۲). سند بعدی موسوم به نکاح‌نامه نیز از قریه «خوراسگان» و محله علیا در سال ۱۲۳۵ هجری قمری خبر می‌دهد (تصویر ۲). صلح‌نامه دیگری متعلق به سال ۱۲۴۸ هجری قمری نیز از «خوراسگان» به عنوان قریه نام برده و نام محله علیا را نیز آورده است (تصویر ۳). در یک رهن‌نامه متعلق به سال ۱۲۵۳ هجری قمری، پس از نام بردن از اشخاص خوراسگانی (شامل فرزندان کدخدا یا خان وقت خوراسگان) به «قریه خوراسگان» اشاره شده است (نادری رارانی ۱۳۸۷: ۳۰۴-۳۰۲). سند اخیر، آخرین سند در دسترس است که در آن به عنوان «قریه» برای خوراسگان برمی‌خوریم. این اسناد نشان می‌دهند خوراسگان، حداقل تا اواسط سده سیزدهم هجری قمری در جغرافیای اداری اصفهان با عنوان قریه شناخته و نام برده می‌شده است.

و از کاشانه‌ای که در اصفهان داشت به عمارت شاهی نقل و تحویل نموده، جماعت ایلات را که در بیرون شهر به نحوی که مذکور و مسطور شد سرگردان و در آن سرمای زمستان بی سر و سامان بودند بار دخول داده، دکان سروری گشاده، شروع در بذل درم و دینار و بخشش حریر زرتار کرده، هنگامه‌ای پدیدار آورد» (همان: ۲۵۸). جعفرخان زند بلافاصله پس از شنیدن این خبر به قصد فتح اصفهان حرکت و با علی‌خان برادر باقرخان مصاف کرد: «بعد از سه روز که از سلطنت او گذشت و صیت ورود و وصول موکب نواب استظهارالدوله محمدجعفرخان به یک منزلی اصفهان پرده در گوش او گشت، به عزم محاربه نواب استظهارالدوله به تهیه سپاه پرداخته و شش هزار نفر از آن سپاه را به سرکردگی آقاعلی نام -برادر خود- که در آن دو سه روز از جانب خود او را لقب خانی داده به علیخان شهرت یافته بود، به مقابله و محاربه نواب استظهارالدوله روان ساخت» (غفاری کاشانی ۱۳۶۹: ۶۸۸). پس از جنگ و گریزهایی، باقرخان که توان مقابله با جعفرخان را نداشت از معرکه گریخت و به رویدشت اصفهان رفته و در قلعه‌ای به نام عبدالله دستگیر شد (موسوی نامی ۱۳۶۳: ۶۹۰). پس از گذشت ۲ ماه آقا محمدخان قاجار به قصد تصرف اصفهان از تهران عازم قم شد. در نبرد میان سپاه جعفرخان و آقامحمدخان، سپاه زند شکست خورده و جعفرخان به فارس گریخت (غفاری کاشانی ۱۳۶۹: ۷۰۰-۶۹۷، موسوی نامی ۱۳۶۳: ۲۶۶-۲۶۳ و آصف ۱۳۵۲: ۴۴۸). در این زمان باقرخان بار دیگر خود را از زندان رها دیده و پسرش و جمعی از رؤسای شهر را به پیشواز آقامحمدخان قاجار فرستاد (موسوی نامی ۱۳۶۳: ۲۶۹). آقامحمدخان نیز حکومت اصفهان را به وی سپرده و پس از حدود ۲ ماه راهی سرکوب شورش بختیاری‌ها شد. باقرخان در این زمان که احتمال بازگشت جعفرخان زند را می‌داد، در قلعه طبرک آذوقه غذایی ذخیره کرده و ۱۲ عراده توپ جنگی را از میدان نقش‌جهان به قلعه طبرک انتقال داد (همان: ۲۷۱). گویا باقرخان این کار را به نیت مقاومتی کوتاه‌مدت در برابر خان زند انجام داد، تا آقامحمدخان قاجار بازگشته و با جعفرخان مقابله کند. جعفرخان با لشکر بسیار به اصفهان آمده، اما با مقاومت باقرخان روبه‌رو شد. با گذشت ۴ ماه از محاصره قلعه طبرک، خبری از آقامحمدخان نشد و در نهایت قلعه فتح شده، باقرخان در سال ۱۲۰۰ هجری قمری دستگیر و اعدام شد (گلستانه ۲۵۳۶: ۴۹۵-).



تصویر ۱. راست: صلحنامه دختران محمدباقر با آقا محمد و عبارات اشاره‌کننده به قریه خوراسگان و محله‌های آن، ۱۱۸۴ هجری قمری، روی برگه (درگاه اینترنتی «دنیای زنان در عصر قاجار»).

چپ: صلحنامه فاطمه خانم و آقا محمد و عبارات اشاره‌کننده به قریه خوراسگان و محله‌های آن، ۱۲۰۳ هجری قمری، روی برگه (همان).

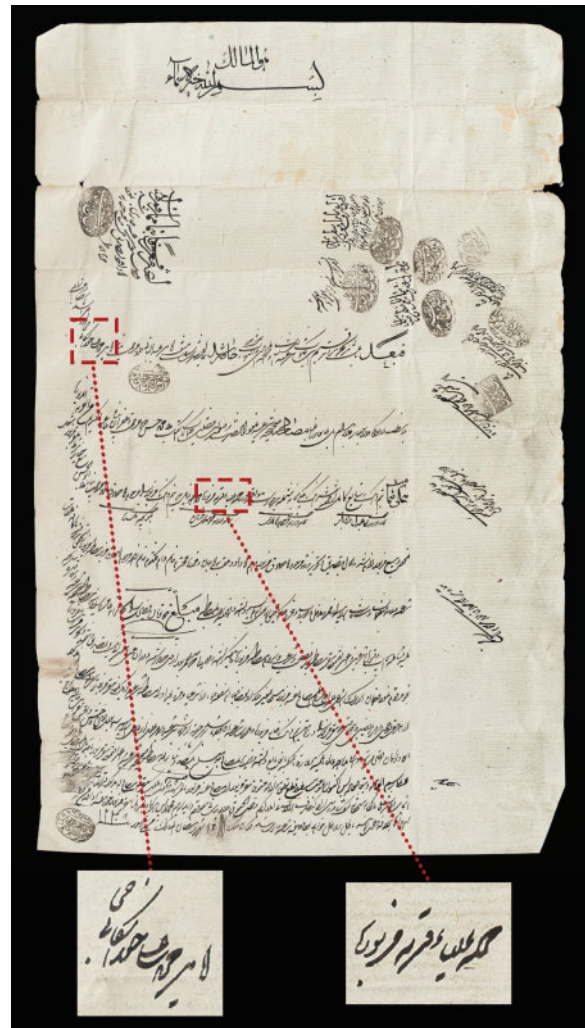


تصویر ۲. راست: صلحنامه بین زینب و زین‌العابدین و عبارات اشاره‌کننده به قریه خوراسگان و محله‌های آن، ۱۲۲۶ هجری قمری، روی برگه (همان).

چپ: نکاحنامه کلثوم خانم و آقا محمدابراهیم و عبارات اشاره‌کننده به قریه خوراسگان و محله‌های آن، ۱۲۳۵ هجری قمری، روی برگه (همان).

شهر خوراسگان بوده است (سند وزارت کشور سال ۱۳۴۳ خورشیدی؛ تصویر ۵). بنابراین این سند نشان می‌دهد که خوراسگان در این سال در وضعیتی قرار داشته که قریه‌های مجاور را به آن منتسب کرده‌اند. در صلح‌نامه‌ای متعلق به سال ۱۳۲۸ هجری قمری، در دو مورد «محلّه وسطی خوراسکان» آمده است، بدون آن‌که از عنوان قریه برای خوراسگان نام برده شود (تصویر ۴). آخرین سند، وقف‌نامه‌ای متعلق به سال ۱۳۳۱ هجری قمری است و از قطعه زمینی موسوم به «پیر خطائی» در کنار «ابوالعباس» در «خراسکان» نام برده است (حسینی اشکوری ۱۳۸۸، ج ۵: ۱۲۱). در این سند نیز عنوانی برای خوراسگان آورده نشده است. ابوالعباس یاد شده در این سند، یکی از امامزادگان مدفون در منطقه خوراسگان است که امروزه در ابتدای خیابان جی شرقی قرار دارد. سکوت این اسناد، به خصوص سند صلح‌نامه سال ۱۲۵۰ هجری قمری در ذکر عنوان جغرافیای اداری برای خوراسگان، می‌تواند تغییر جغرافیای اداری خوراسگان از قریه به قصبه و یا دست کم شروع این تغییر را نشان دهد.

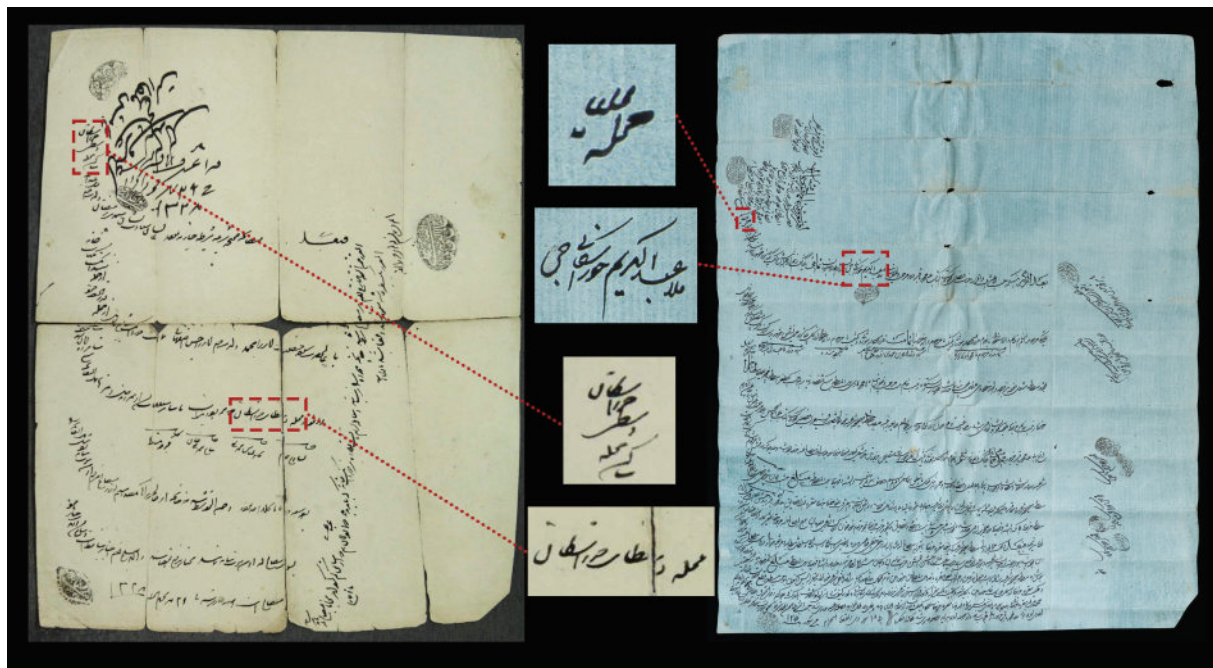
در منابع مکتوب به گونه‌ای دیگر می‌توان این مسئله را مشاهده کرد. در نصف جهان فی تعریف الاصفهان، هنگام توصیف قلعه طبرک چنین آمده است: «... یکی چشمه معروف به باقرخان که از پای خاکریز قلعه طبرک بیرون می‌آید و بقریه خراسکان می‌رود و ظاهراً این چشمه را باقرخان مذکور استنباط و جاری نموده است» (الاصفهانی ۱۳۶۸: ۱۰۶). این درحالی است که نویسنده در جای دیگر و در ذیل شرح بلوک جی از خوراسگان به عنوان قصبه بلوک جی یاد می‌کند: «اول بلوک جی است ... قصبه آن خوراسکان و قرای معروف آن شمس‌آباد و تیران و آهنگران که از بناهای کاوه آهنگر است ...» (همان: ۲۹۷-۲۹۶). دلیل این اختلاف روشن نیست. این احتمال وجود دارد که نویسنده هنگامی که می‌خواسته از چشمه باقرخان صحبت کند، این اطلاعات را از کتابی دیگر عیناً ذکر کرده - دلیل آن هم رسم الخط «خراسکان» است - اما در جای دیگر که شخصاً اطلاعات را به دست آورده آن را «قصبه خوراسکان» ثبت کرده است. نویسنده در مقدمه کتاب خود، آن را تصحیح و تکمیلی می‌داند از رساله‌ای که سه سال پیش از این، در سال ۱۳۰۰ هجری قمری در مورد اصفهان نگاشته است (همان: ۲-۱). آن‌چه مشخص است این که از این تاریخ در منابع مکتوب، با عنوان «قصبه» برای خوراسگان روبرو می‌شویم. همان‌طور که می‌دانیم قصبه به معنای آبادی بزرگ است که از چندین ده تشکیل شده باشد (فرهنگ معین، ذیل واژه). این منابع و اسناد نشان‌دهنده رشد و توسعه خوراسگان نسبت به قرای همجوار است. در این دوره



تصویر ۳. صلح‌نامه آقا میرعبدالباقی و ملامحمد حسن و عبارات اشاره‌کننده به قریه خوراسگان و محلّه‌های آن، ۱۲۴۸ هجری قمری، روی برگه (همان).

ب: قصبه خوراسگان

اسناد تاریخی از اواسط سده سیزدهم هجری قمری به بعد، نشانه‌هایی از تغییر در جغرافیای اداری خوراسگان را به نمایش می‌گذارند. در صلح‌نامه‌ای متعلق به سال ۱۲۵۰ هجری قمری، بدون ذکر عنوان قریه، تنها به «خوراسکان» و محلّه علیا اشاره شده است (تصویر ۴). در میان اسناد تاریخی که در دسترس نگارندگان بود، برای نخستین بار است که از عنوان قریه برای خوراسگان استفاده نشده است. سند وقف‌نامه‌ای متعلق به سال ۱۳۱۸ هجری قمری، از «خوراسکان» در چندین نوبت و بدون ذکر عنوان قریه نام می‌برد (حسینی اشکوری ۱۳۸۸، ج ۸: ۲۰۱-۲۰۰). نکته مهم در این سند، عبارت «املاک ارداجی خوراسکان»، در هنگام تشریح یکی از موارد موقوفه است. همان‌طور که می‌دانیم، پیشتر در طومار منتسب به شیخ بهایی از قریه ارداجی نام برده شده (طومار شیخ بهایی ۱۳۱۷: ۲۶) و در سال ۱۳۴۳ خورشیدی از قریه‌های تشکیل‌دهنده



تصویر ۴. راست: صلح‌نامه بین زینب خانم و ملا محمدباقر و عبارات اشاره‌کننده به خوراسگان و محله‌های آن، ۱۲۵۰ هجری قمری، روی برگه (درگاه اینترنتی «دنیای زنان در عصر قاجار»).

چپ: صلح‌نامه بین مشهدی رمضان و آقا میرزا محمد و عبارات اشاره‌کننده به خوراسگان و محله‌های آن، ۱۳۲۸ هجری قمری، (کتابخانه دیجیتال آستان قدس رضوی).

محله‌های شهر خوراسگان تا پیش از الحاق به اصفهان عبارت بودند از: آبر، پُزوه، ارغوانیه، درب سیبیه، سلمان، علیا، نارون، خانقاه، خیادان، مسجده‌علی، سلطان‌آباد، اباذر، ستار، بوزان، لفزوان (لبزون)، علی‌ابن موسی‌الرضا، همدانیان، کنگاز، ارداجی، سفلی، بانومهدی، قصر، کلمخاران، جی شیر، گورت، خاتون‌آباد، راران، دهنو، سمنجانمره، بهاران، گیان، برتیانچی، اندوان، هیستان، سمسور، جلمرز، موران و از مهم‌ترین شهرک‌های آن شهرک فاضل، معلم، اریسون و بانک ملی. (درگاه قدیم شهرداری خوراسگان: www.khorasgan.ir).

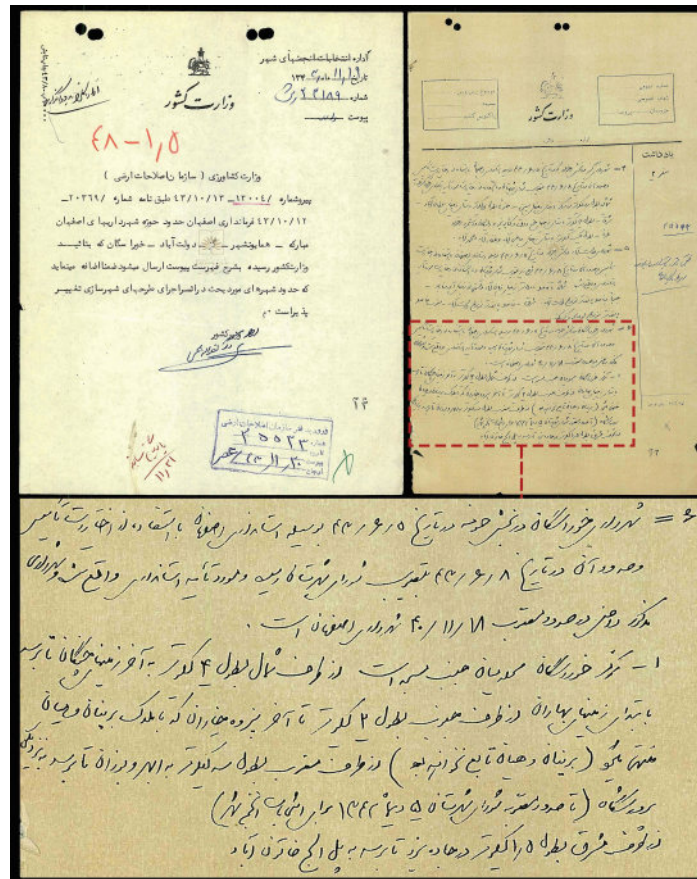
د: منطقه ۱۵ شهرداری اصفهان یا منطقه خوراسگان

با گسترش شهر اصفهان و شهر خوراسگان، این دو آن‌چنان به هم نزدیک شد که در دهه ۱۳۸۰ خورشیدی دیگر فاصله‌ای از یکدیگر نداشتند. در تاریخ ۱۸ فروردین سال ۱۳۹۲ خورشیدی به پیشنهاد وزارت کشور و به استناد ماده ۱۳ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب سال ۱۳۶۲ خورشیدی و با رعایت جزء «د» بند یک تصویب‌نامه شماره ۳۸۸۵۲/ت/۱۵۸۸۰۳ مورخ یکم دی ماه سال ۱۳۸۶ (درگاه وزارت کشور: www.moi.ir). از این تاریخ تا زمان حاضر خوراسگان به عنوان منطقه ۱۵ شهرداری اصفهان شناخته می‌شود (تصویر ۷).

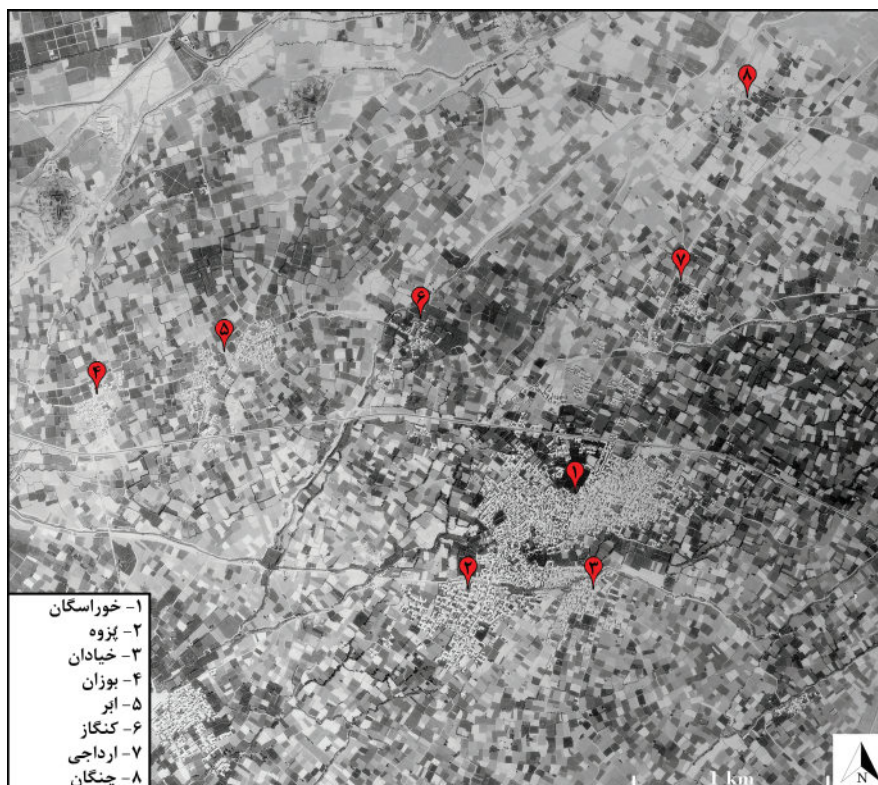
تا سال ۱۳۴۳ خورشیدی از خوراسگان به عنوان قصبه یاد می‌شود (فرهنگ جغرافیایی ایران، آبادی‌ها ۱۳۳۲: ۸۰).

ج: شهر خوراسگان

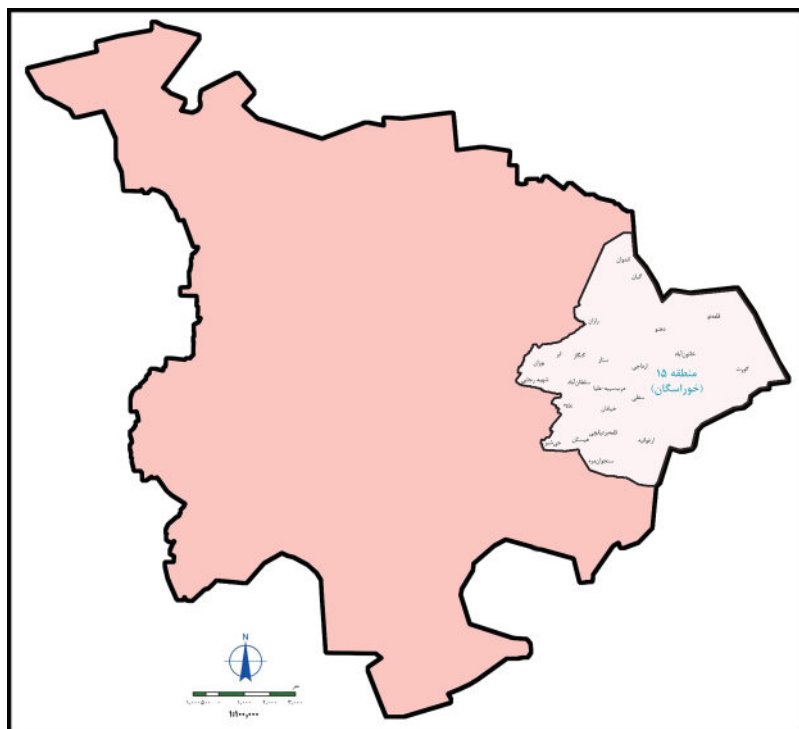
طبق سند وزارت کشور، مربوط به تاریخ ۱۳۴۳/۱۱/۱۹ خورشیدی شهر خوراسگان به مرکزیت قصبه خوراسگان، در تاریخ ۱۳۴۳/۰۶/۰۵ خورشیدی تشکیل شد (تصویر ۵). حدود شهر در سمت شرق تا پل الج روستای خاتون‌آباد، سمت غرب تا روستاهای ابهر و بوزان تا نزدیک پرورشگاه، سمت شمال تا آخر زمین‌های روستای چنگان و سمت جنوب تا آخر روستاهای پزوه و خیادان تعیین شده بود (سند وزارت کشور سال ۱۳۴۳ خورشیدی). در منابع متأخر، تأسیس این شهر را از پیوستن هفت روستا دانسته‌اند (نادری رارانی ۱۳۸۷: ۳۵۰؛ تمدن ۱۳۸۹: ۲؛ ابراهیمی ۱۳۹۲: ۹۴). این هفت روستا عبارت‌اند از: خوراسگان، آبر، ارداجی، بوزان، پُزوه، خیادان، کنگاز؛ اما طبق سند وزارت کشور و براساس محدوده مشخص‌شده برای شهر تازه‌تأسیس خوراسگان، قریه چنگان را نیز باید به حساب آورد، هرچند در این تاریخ تقریباً خالی از سکنه بوده است. عکس‌های هوایی سال ۱۳۴۳ خورشیدی فاصله این روستاها را با یکدیگر نشان می‌دهد (تصویر ۶). با گذشت زمان، اکثر قریه‌های بلوک جی و نیز برخی از قریه‌های بلوک قهاب و سایر بخش‌ها و مناطق هم‌جوار جزء شهر خوراسگان شدند.



تصویر ۵. محدوده شهر خوراسگان در سال ۱۳۴۳ شمسی در سند تعیین حدود شهرداری‌های شهرهای مختلف اصفهان، وزارت کشور (سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران).



تصویر ۶. قریه‌های تشکیل‌دهنده شهر خوراسگان در عکس هوایی سال ۱۳۴۳ خورشیدی، همزمان با تشکیل شهر خوراسگان (سازمان نقشه‌برداری کشور).



تصویر ۷. محدوده شهرداری خوراسگان یا منطقه ۱۵ شهرداری اصفهان و محله‌های آن در نقشه شهر اصفهان.

منابع آبی

الف: سهام آب زاینده‌رود

جی از مجموع ۳۳ سهم آب زاینده‌رود، ۶ سهم آب دارد که از طریق ۶ مادی که ۲ مادی در ناحیه جنوبی (برزرود) و ۴ مادی دیگر در جی خاص جاری است، به ۸۹ ده و مزرعه می‌رسد. ۶ سهم فوق بین این مادی‌ها به ۳۷ سهم و بین دهات و مزارع به ۶۵۴ سهم جزء تقسیم می‌شود^۶ (حسینی آبری ۱۳۷۹: ۱۳۵). سهم قریه خوراسگان (که خوراسگان نگاشته شده است) از این ۶۷۴ سهم، ۱۱ سهم است. قرای همجوار نیز هر یک به میزان مشخص دارای سهم آب بوده‌اند که بعضاً و تقریباً به اندازه سهم آب خوراسگان است. به طور مثال قریه‌های فزوه^۷ و خیادان هر یک با ۱۰ سهم و ابهر^۸ با ۱۰/۵ سهم نزدیک به همین مقدار سهم دارند (جدول ۲). این سهام آب از طریق مادی نیاصرم به مقاصد مذکور انتقال می‌یافت (تصویر ۸).

ب: چشمه یا قنات خوراسگان

امروزه مسیر آبی شبیه به مادی‌های اصفهان، از محل سابق قلعه طبره یا طبرک (محله قلعه طبره کنونی) به سمت

خوراسگان وجود دارد که معروف به «چشمه باقرخان» است. چشمه باقرخان با گذر از میان خیابان‌های بزرگمهر و لاهور، بزرگراه شهید صیاد شیرازی و خیابان همدانیان وارد منطقه ۱۵ شهرداری اصفهان یا خوراسگان می‌شود و به موازات خیابان شهید باهنر در جهت شرق پیش می‌رود و در انتهای این خیابان به پایان می‌رسد (تصویر ۸). مسیر این چشمه به سمت شرق ادامه داشته، اما در طی سالیان اخیر از بین رفته است. براساس منابع، باقرخان خوراسگانی در اواخر دوره زند، در سال ۱۱۸۶ هجری قمری مجرای چشمه راران در پای قلعه طبرک اصفهان را به قنات خوراسگان متصل کرده، به طوری که قنات خوراسگان که خود دارای یک سرچشمه بوده، دارای دو سرچشمه می‌شود (جابری انصاری ۱۳۲۱: ۲۲۷؛ نادری رارانی ۱۳۸۷: ۳۲۶). با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت که خوراسگان پیش از چشمه یا قنات باقرخان، دارای چشمه یا قناتی به اسم خود بوده که سرچشمه آن در محل قلعه طبرک قرار داشته و مسیرش همان مسیری بوده که اکنون به نام چشمه باقرخان شناخته می‌شود.

ج: چشمه یا قنات باقرخان

امروزه چشمه یا قنات باقرخان، به صورت جوی بزرگی از منطقه ۳ تا منطقه ۱۵ شهر اصفهان یا خوراسگان امتداد پیدا کرده است. همان‌طور که پیشتر گفته شد، چشمه باقرخان از به هم پیوستن

۶. سهام بلوک جی در این طومار، یک‌جا ۶۵۴ و در جای دیگر ۶۷۴ ثبت شده است. ظاهراً علت آن است که این سهام در طول زمان دستخوش تغییر می‌شده است. با توجه به شمارش این تعداد سهام در طومار، این عدد به ۶۷۴ نزدیک‌تر است.

۷. پُزوه کنونی.

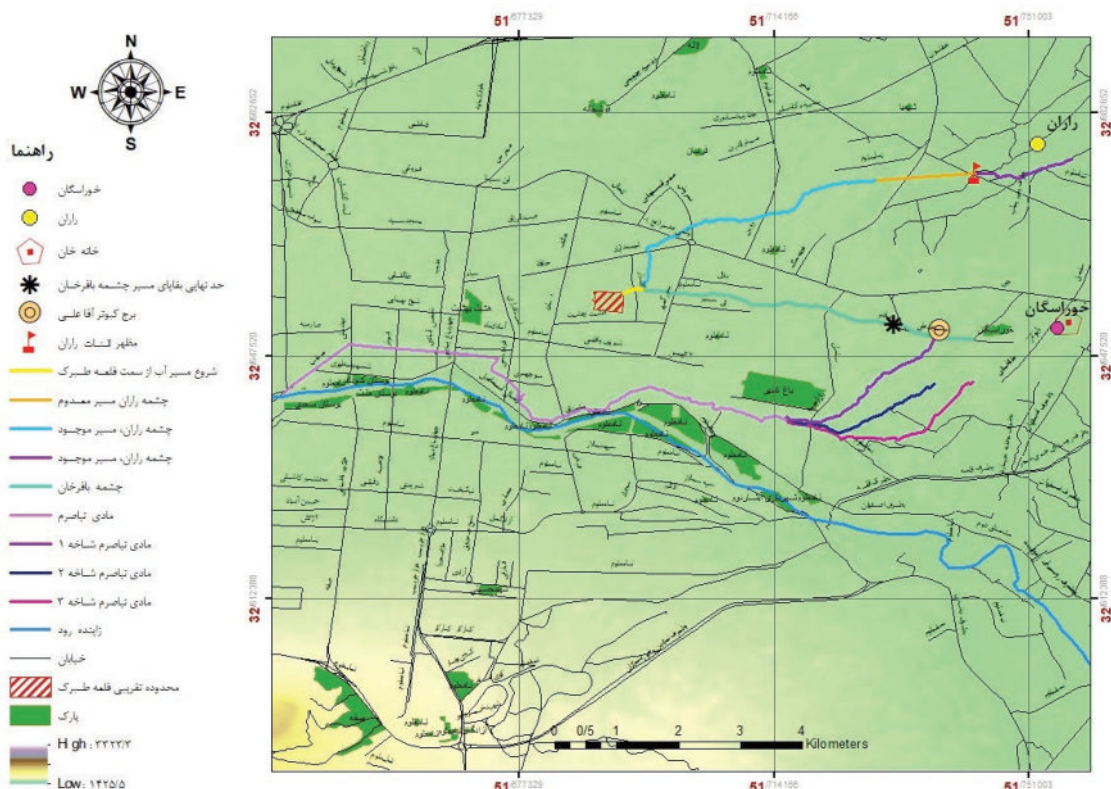
۸. آبَر کنونی.

مادی نیازم به انضمام سهم که از مادی فرشادی می‌آید جنب پل مارنانان واقع است:

۱۳ سهم مقرر ۱۹۷/۵ سهم

سمت سه پله ۳۹/۵ سهم							
ابهر	بوزان	هرمنجرد	هریستان	اطشاران و اسکران	جوهران	راران قهاب	
۱۰/۵	۸	۲	۲	۵	۶	۶	
سمت چلیپاس که مادی علیحده بوده و آب برده و شریک نیاصرم شده ۴۳ سهم							
شهرستان از	شهرستان	سنجوان	زآآن	فرنبارت	زردنجان	لقاطات	خاتون
بابت کرویرم	ایضاً	مره			کراج	سنجوان مره	آباد
۴	۲	۲	۶ و دو	۶ و دو	۶ و دو	۱	۶
			دانگ	دانگ	دانگ		۹
سمت خوراسکان و الج منجیان ۱۱۵ سهم							
خوراسکان	کنگاز و	چنگان	لورک	ارداجی	محمدآباد	خیادان	کلمخوران
	پیرون آب						
۱۱	۸/۵	۷/۵	۴	۵	۹	۱۰	۳/۵
سنجوان مره	برتیانچی	سنجوان ثور	فزه	هیستان	برتیان	جیشیر	چاهی
۳	۴	۶	۱۰	۵	۸	۸	۳/۵
خوراشاد	باغ شیر						
۶	۳						

جدول ۲. قریه‌های بلوک جی- مشروب از طریق مادی نیاصرم بر اساس طومار منتسب به شیخ بهایی (طومار شیخ بهایی ۱۳۰۷: ۲۶-۲۵).



تصویر ۸. مسیرهای انتقال آب به قریه خوراسگان (طراح، از زینب هادی).

سرچشمه شده و چشمه راران خشک می‌شود. این اتفاق نشان می‌دهد، باقرخان در این دوره و پیش از ملقب شدن به «خان» از طرف علی‌مرادخان زند دارای قدرت زیادی بوده که دست به چنین اقدامی در مورد مسئله حیاتی آب زده است. با این اقدام، میزان آبی که به مزارع خوراسگان می‌رسید، نسبت به سایر قریه‌ها بسیار بیشتر شد. به نظر می‌رسد احتمالاً، تغییراتی که از این دوره به بعد در قریه خوراسگان صورت می‌گیرد، باعث افزایش قدرت، ثروت و گستردگی هر چه بیشتر بافت روستایی آن شد.

پس از باقرخان، فرزند او محمدحسین خان به حکومت اصفهان می‌رسد و در سال‌های بعد، پسر محمدعلی خان امید (فرزند دیگر باقرخان) به نام میرزا حسین خان سراج‌الملک به وزارت اصفهان دست پیدا می‌کند (تحويل دار اصفهان ۱۳۴۲: ۷۱). خان‌های قریه خوراسگان نیز دارای قدرت و ثروت بسیاری بوده‌اند. با این که هنوز ارتباط خاندان آقا فتحعلی و فرزندان او که از خان‌های خوراسگان بوده‌اند با باقرخان مشخص نشده، اما احتمال نسبت داشتن این دو خاندان با یکدیگر، به دلیل قرائنی از جمله انتساب خانه‌های اشرافی و اربابی به باقرخان خوراسگانی وجود دارد که نیازمند تحقیقات بیشتر است؛ علاوه بر این، ساخت برخی ابنیه در محدوده محله «میان» خوراسگان از جمله یک حمام و یک مسجد - که در حال حاضر تخریب شده‌اند- را به باقرخان نسبت می‌دهند و این مسئله هم می‌تواند در خور تأمل باشد. سه سند باقی‌مانده از خان‌های خوراسگان از مهم‌ترین منابعی است که نشان‌دهنده قدرت و ثروت این خان‌ها در قریه خوراسگان و قریه‌های مجاور در دوره قاجاریه است. دو سند از این اسناد که یکی «رهن‌نامه» و دیگری «فک رهن» ۳ عدد برج کبوتر به نام‌های «باغ کردآباد»، «سرچشمه» و «خلف باغ مشهدی حسین» در قریه‌های پزوه و کردآباد، نشان می‌دهد این برج‌ها تحت مالکیت خان قریه خوراسگان به نام «آقا محمد جعفر»، ملقب به «آقا کوچک» بوده است (نادری رارانی ۱۳۸۷: ۳۰۵-۳۰۲). این اسناد نشان می‌دهد ثروت این خان‌ها به حدی بوده که اقدام به خرید برج‌های کبوتر سایر قرای بلوک جی کرده‌اند. برج‌های کبوتر به دلیل نقششان در تولید کود و افزایش تولید

دو چشمه خوراسگان و راران به وجود آمده است. پذیرفتن دو سرچشمه برای چشمه‌های راران و خوراسگان در محل قلعه طبرک نیاز به بررسی‌های بیشتری دارد، چرا که اکنون اثری از آن‌ها نیست و با وجود اهمیت این قلعه در حفظ امنیت شهر اصفهان، اشاره‌های کمی به این چشمه‌ها و مسیرشان شده است. در مطالعات انجام‌شده، شفقی برای چشمه خوراسگان دو مظهر و برای چشمه راران یک مظهر معرفی می‌کند (شفقی ۱۳۸۱: ۱۷۹-۱۷۸)، در حالی که نادری هر کدام را دارای یک سرچشمه می‌داند (نادری رارانی ۱۳۸۷: ۳۲۶). نکته آخر این که در نقشه سید رضاخان (۱۳۰۲ هجری قمری) مسیر چشمه خوراسگان به صورت روباز و دارای آب نشان داده شده و مسیر چشمه راران به صورت خشک ترسیم شده است.

بحث و تحلیل

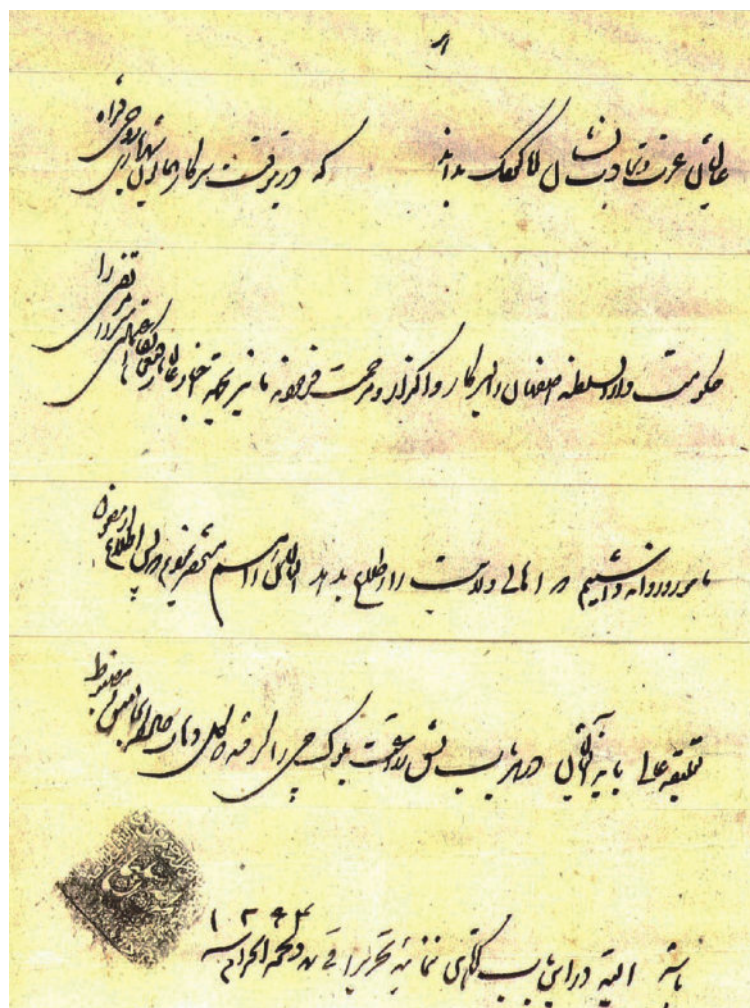
قریه خوراسگان، همانند شهر بزرگ اصفهان، کاملاً به منابع آبی زاینده‌رود وابسته بوده است. این قریه که تا پیش از دوره صفوی اطلاعات بسیار اندکی از خود در متون تاریخی بر جای گذاشته، در بلوک جی، یکی از بلوکات شش‌گانه حوضه آبخور زاینده‌رود قرار داشته و طبق طومار منتسب به شیخ بهایی دارای ۱۱ سهم آب از مجموع ۶۷۴ سهم داخلی بلوک جی بوده است. مقایسه سهام دیگر قرای این بلوک، علی‌الخصوص ۸ قریه‌ای که به همراه خوراسگان در سال ۱۳۴۳ خورشیدی، شهر خوراسگان را تشکیل دادند، حائز اهمیت بسیاری است. سهام آب در این جدول نشان می‌دهد خوراسگان از سایر قریه‌ها آب بیشتری دریافت می‌کرده است. خوراسگان هرچند در مقایسه با قریه آبر تنها نیم سهم و در مقایسه با قریه‌های پزوه و خیدان، ۱ سهم بیشتر داشته، اما با توجه به اهمیت کشاورزی در این منطقه، همین اندازه هم بسیار تأثیرگذار بوده است. علاوه بر این، خوراسگان خود دارای چشمه و قناتی بوده که از سمت شرق به سمت خوراسگان می‌آمده است. با توجه به اهمیت آب، در اواخر دوره زندیه (۱۱۸۶ هجری قمری)، باقرخان خوراسگانی، مجرای آب چشمه راران را مسدود و با حفر ۱۵۰۰ متر، آب این چشمه را به چشمه خوراسگان متصل می‌کند. به این ترتیب، آب قنات خوراسگان دارای دو

خوراسگان	خیدان	پزوه	ارداجی	کنگاز	آبر	بوزان	چنگان
۱۱	۱۰	۱۰	۵	۸/۵	۱۰/۵	۸	۷/۵

جدول ۳. سهام قرای تشکیل‌دهنده شهر خوراسگان بر اساس طومار منتسب به شیخ بهایی (طومار منتسب به شیخ بهایی ۱۳۰۷: ۲۶-۲۵).



تصویر ۹. برج کبوتر سرچشمه یا آقاعلی (عکس از نگارندگان، سال ۱۳۹۷ شمسی).



تصویر ۱۰. فرمان سلیمان خان حاکم اصفهان به «آقا کوچک» در سال ۱۲۶۴ هـ.ق (نادری رارانی ۱۳۸۷: ۲۲۹).

سرنوشت‌ساز بوده است. به نظر می‌رسد پس از این اقدام باقرخان، رشد اقتصادی خوراسگان که خود از منابع آب بیشتری نسبت به سایر قریه‌ها برخوردار بوده، شتاب بالایی گرفته است. این رشد اقتصادی و تجمع ثروت، گسترش هر چه بیشتر بافت خوراسگان را به ارمغان آورد. خان‌های خوراسگان که مسئولیت رسیدگی به امور کشاورزی این قریه و دیگر قریه‌ها را داشتند، در یکی از محله‌های خوراسگان، مجموعه‌ای مسکونی، تفریحی و اداری را به وجود آوردند که از جنبه‌های معماری و هنری شاخصی برخوردار بوده و نشان‌دهنده قدرت و ثروت آن‌هاست. گسترده شدن بافت قریه خوراسگان، سرانجام و احتمالاً در اواسط سده سیزدهم هجری قمری آن را تبدیل به قصبه بلوک جی کرد. این مسئله تا دهه ۱۳۴۰ خورشیدی ادامه یافت.

در سال ۱۳۴۳ خورشیدی، با توجه به گسترش بافت خوراسگان و قریه‌های مجاور، نیاز به تأسیس یک شهر در این منطقه احساس شد. با توجه به این‌که خوراسگان بزرگترین آن‌ها و در واقع «قصبه» بلوک جی بود و فاصله خود را با برخی قریه‌ها، از جمله پُروه و خیادان از بین برده و با سایر قریه‌ها نیز کمترین فاصله را داشت، از نام آن برای شهر تازه تأسیس استفاده شد. محله «بالا» و «زیر» و چند محله دیگر که از محله‌های تشکیل دهنده قریه خوراسگان بودند، به موجودیت خود ادامه دادند، قریه‌های پُروه، خیادان، ارداجی، بوزان، آبر، کنگاز و چنگان نیز تبدیل به محله‌های «شهر خوراسگان» شدند. گستردگی بیشتر این منطقه و نزدیک‌تر شدن شهر اصفهان و شهر خوراسگان به یکدیگر، در سال ۱۳۹۲ خورشیدی، الحاق خوراسگان را به شهر اصفهان موجب شد. به این ترتیب با توجه به اهمیت مسئله کشاورزی در شهر اصفهان و مناطق هم‌جوار، چنین به نظر می‌رسد که میزان و تعداد منابع آب قریه خوراسگان در دوره صفوی، افزایش آن در اواخر دوره زندیه و همچنین پایداری این منابع در سال‌های بعد، باعث افزایش قدرت و ثروت در این قریه شد، تا آن‌جا که در اواسط سده سیزدهم هجری قمری، این قریه به قصبه تبدیل شد و گسترش هرچه بیشتر بافت آن در سال‌های بعدی با تشکیل شهر خوراسگان در سال ۱۳۴۳ خورشیدی و الحاق آن به شهر خوراسگان در سال ۱۳۹۲ خورشیدی نتایج خود را نشان داد.

سیاسگزاری

از افشین خسروثانی برای خواندن متن و تذکر نکاتی مهم در خصوص آن و زینب هادی برای طراحی نقشه مرتبط بسیار سپاسگزاریم.

محصولات کشاورزی، ارزش فراوانی داشته‌اند و در بسیاری از سفرنامه‌ها به اهمیت آن اشاره شده است.^۹ برخورداری از این ثروت فراوان و ارتباط آن با مسائل مربوط به کشاورزی برای پژوهش حائز اهمیت فراوان است (تصویر ۹). سند دیگری نیز در دست است که نشان می‌دهد سلیمان خان، حاکم اصفهان در سال ۱۲۶۴ هجری قمری به «آقا کوچک» اطلاع داده که باید «در هر باب نسق زراعت بلوک جی» را دریافت کرده و به حکومت تحویل دهد (نادری رارانی ۱۳۸۷: ۲۲۹؛ تصویر ۱۰). این مسئولیت نشان‌دهنده قدرت این خان در اصفهان و بلوک جی و بیانگر نکاتی در باب مسئله مهم کشاورزی است.

همچنین باید اشاره‌ای به «خانه‌های خان» یا «مجموعه خان» کرد. این خانه‌ها در محله میان یا وسطی خوراسگان قرار دارند محله‌ای که در حال حاضر نامی از آن وجود ندارد- و به باقرخان یا خان‌های خوراسگان انتساب داده می‌شود. نادری تعداد این خانه‌ها را ۹ خانه، متشکل از ۳ خانه مسکونی، تشریفاتی و ویلایی، معروف به مجموعه عمارت خان خوراسگان و ۶ خانه در پیرامون آن (خانه‌های مشهور به حاج اسدالله نانو، حاج آقا حسن حسینی، میرزا عبدالباقی و میرزا علیرضا فتاحی، میرزا عباس سعیدیان، حاج میرزا عبدالعلی فاطمی، عطایی و ربی) متعلق به بستگان خان‌های خوراسگان معرفی می‌کند. او قدمت بنای اولیه را حدود ۱۲۵۰ هجری قمری می‌داند و ساخت آن را به «آقا محمدجعفر»، ملقب به «آقا کوچک» نسبت می‌دهد (نادری ۱۳۸۷: ۳۰۹)، هر چند برای این ادعا شواهدی ارائه نمی‌کند.

نتیجه‌گیری

بررسی متون و منابع دوره صفوی تا قاجار نشان می‌دهد مسئله منابع آب و کشاورزی، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که در خلال آن اشاره بیشتری به خوراسگان شده است. علاوه بر طومار منتسب به شیخ بهایی در دوره صفوی که به تفصیل، حقایق یا سهم آب ۶ بلوک آبخور زاینده‌رود در آن آمده و نیز قنات خوراسگان که از قلعه طبرک به سمت این قریه جریان داشته، تغییر مسیر یکی از چشمه‌های دیگر قلعه طبرک از قریه راران به سمت قریه خوراسگان در دوره زندیه، به میزان آب دریافتی این قریه اضافه می‌کند. این اتفاق توسط باقرخان خوراسگانی -که به مناسبت داشتن مناصب حکومتی در اصفهان ذکری از احوال او در تواریخ آمده- نشان می‌دهد مسئله منابع آب و کشاورزی تا چه حد در اصفهان مهم و برای خوراسگان و قرای هم‌جوارش

۹. تنها برای نمونه می‌توان به (کمپفر ۱۳۶۰: ۲۱۷؛ گوبینو ۱۳۶۷: ۱۹۰؛ شیل ۱۳۶۸: ۱۹۷-۸ و دیولافوا ۱۳۷۶: ۳۰۳) اشاره کرد.

منابع

- آصف، محمدهاشم ۱۳۸۲ رستم/تواریخ، تصحیح میترا مهرآبادی، تهران، دنیای کتاب.
- ابراهیمی، مهدی ۱۳۹۲ "بررسی راهبردها و الزامات در الحاق شهر خوراسگان به شهر اصفهان با استفاده از مدل SWOT"، برنامه‌ریزی فضایی، دوره سوم، شماره سوم، صص. ۸۷-۱۰۶.
- ابوشیخ انصاری، ابومحمد عبدالله بن محمد بن جعفر بن حیان ۱۴۱۲ طبقات المحدثین باصفهان و الواردین علیها، درسه و تحقیق عبدالغفور عبدالحق حسین البلوشی، جلد دوم، بیروت، موسسه الرساله.
- ابی نعیم، احمد بن عبدالله الاصبهانی ۱۹۳۴ ذکر اخبار اصفهان، جلد ۱ و ۲، لیدن، بریل.
- الاصفهانی، محمد مهدی بن محمد رضا ۱۳۶۸ نصف جهان فی تعریف الاصفهان، تصحیح منوچهر ستوده، تهران، امیرکبیر.
- تحویلدار، میرزا حسین خان ۱۳۴۲ جغرافیای اصفهان، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، دانشگاه تهران.
- تمدن، فرانک ۱۳۸۹ تهیه طرح ساماندهی و احیای بافت تاریخی خوراسگان، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اصفهان.
- جابری انصاری، حسن ۱۳۲۱ تاریخ اصفهان و ری و همه جهان، اصفهان، حسین عمادزاده.
- جعفریان، رسول ۱۳۸۴ "خوراسگان، دانشوران و چهرگان دیروز و امروز"، خورشید جی، شورای اسلامی شهر خوراسگان و کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام، صص. ۲۸۹-۳۶۴.
- جناب، میرسیدعلی ۱۳۸۵ رجال و مشاهیر اصفهان (الاصفهان)، تدوین و تصحیح رضوان پورعصار، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان؛ مرکز اصفهان‌شناسی و خانه ملل.
- حسینی آبری، حسن ۱۳۸۷ زاینده رود، از سرچشمه تا مرداب، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- حسینی اشکوری، صادق ۱۳۸۸ اسناد موقوفات اصفهان، جلد ۳، ۵، ۶، ۸، قم، مجمع ذخائر اسلامی.
- حموی بغدادی، یاقوت ۱۳۸۰ معجم البلدان، ترجمه علینقی منزوی، تهران، سازمان میراث فرهنگی.
- درهوهانیان، هاروتون ۱۳۷۹ تاریخ جلفای اصفهان، ترجمه لئون. گ. میناسیان و م. موسوی فریدنی، اصفهان، زنده‌رود با مشارکت نقش خورشید.
- ستوده، منوچهر و ایرج افشار ۱۳۸۳ اسناد پادریان کرملی، به کوشش منوچهر ستوده با همکاری ایرج افشار، تهران، موسسه پژوهشی میراث مکتوب.
- سمعانی، عبدالکریم بن محمد ۱۳۸۲ الانساب، جلد دوم، حیدرآباد، مطبعه مجلس، دایره المعارف العثمانیه.
- شفقی، سیروس ۱۳۸۱ جغرافیای اصفهان، ویرایش دوم، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- فرهنگ جغرافیایی ایران (آبادیه) ۱۳۳۲، جلد ۱۰، تهران، دایره جغرافیایی ارتش.
- غفاری کاشانی، ابوالحسن ۱۳۶۹ گلشن مراد، به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، زرین.
- کاشانی، میر تقی‌الدین ۱۳۸۶ خلاصه‌الاشعار و زبده‌الافکار (بخش اصفهان)، به کوشش عبدالعلی ادیب برومند و محمدحسین نصیری کهنمویی، تهران، میراث مکتوب.
- گلستانه، ابوالحسن بن محمد امین ۲۵۳۶ مجمل‌التواریخ، به سعی و اهتمام مدرس رضوی، تهران، دانشگاه تهران.
- موسوی نامی اصفهانی، محمدصادق ۱۳۶۳ تاریخ گیتی‌گشا در تاریخ زندیه، تهران، اقبال.
- نادری رارانی، نادرقلی ۱۳۸۷ تاریخ شهر خوراسگان و روستای راران، اصفهان، فرهنگ مردم..
- وصفی، محمدرضا؛ اعظم فولادی‌پناه و جواد عربانی ۱۳۹۱، «واکنش جامعه ایرانی به فعالیتهای مبلغان کارملیت در نیمه دوم عصر صفوی»، مسکویه، سال هفتم، شماره ۲۰، صص ۸۶-۱۰۶.
- اسناد**
- سند تعیین حدود شهرداری‌های شهرهای مختلف اصفهان، ۱۳۴۳ هـ.ش، شناسه کد کتاب ۴۷۳۰۹۸۷، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- صلح‌نامه آقا میرعبدالباقی و ملامحمد حسن، ۱۲۴۸ هـ.ق، ش سند 15163A5، مجموعه نادرقلی نادری رارانی، درگاه اینترنتی «دنیای زنان در عصر قاجار» به نشانی qajarwomen.org.

صلح‌نامه فاطمه خانم و آقا محمد، ۱۲۰۳ هـ.ق، ش سند 14142A83، مجموعه امیرحسین نیک‌پور، درگاه اینترنتی «دنیای زنان در عصر قاجار» به نشانی qajarwomen.org.

نکاح‌نامه کلثوم خانم و آقا محمدابراهیم، ۱۲۳۵ هـ.ق، ش سند 15163A3، مجموعه نادرقلی نادری رارانی، درگاه اینترنتی «دنیای زنان در عصر قاجار» به نشانی qajarwomen.org.

طومار منتسب به شیخ بهایی ۱۳۰۷، رونویسی از کاظم سمیعی، دایره ثبت اسناد و املاک اصفهان.

صلح‌نامه بین زینب و زین‌العابدین، ۱۲۲۶ هـ.ق، ش سند 15161A22، مجموعه میثم احمدی کافشانی، درگاه اینترنتی «دنیای زنان در عصر قاجار» به نشانی qajarwomen.org.

صلح‌نامه بین زینب خانم و ملا محمدباقر، ۱۲۵۰ هـ.ق، ش سند 15163A6، مجموعه نادرقلی نادری رارانی، درگاه اینترنتی «دنیای زنان در عصر قاجار» به نشانی qajarwomen.org.

صلح‌نامه بین مشهدی رمضان و آقا میرزا محمد، ۱۳۲۸ هـ.ق، ش ثبت ۱۱۹۶۳۸، کتابخانه دیجیتال آستان قدس رضوی، درگاه اینترنتی digital.aqr.ir.

صلح‌نامه دختران محمدباقر با آقا محمد، ۱۱۸۴ هـ.ق، شماره سند 14142A84، مجموعه امیرحسین نیک‌پور، درگاه اینترنتی «دنیای زنان در عصر قاجار» به نشانی qajarwomen.org.